

امام مجتبیٰ علیه السلام و تربیت فرزندان شجاع

عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی

چکیده

این مقاله به سه نکته مهم درباره شخصیت حضرت مجتبیٰ علیه السلام اشاره دارد: ۱. صلح امام حسن علیه السلام زمینه‌ساز قیام عاشورا است و این دو حادثه مکمل همدیگرند؛ ۲. پیشوای دوم همانند سایر امامان شیعه، شخصیتی کامل در تمام ابعاد و در علم و فضایل اخلاقی به‌ویژه شجاعت و سیاست است؛ ۳. بسیاری از شخصیت‌های انقلابی و ظلم‌ستیز در تاریخ عصر اموی و عباسی از فرزندان امام مجتبیٰ علیه السلام به شمار می‌آیند.

کلید واژه‌ها

امام حسن علیه السلام، امام مجتبیٰ علیه السلام، نسل کوثر، شجاعت، فرزندان.

امام مجتبیٰ علیه السلام الگوی تمام عیار و سرمشقی جاودانه برای تمام نسلهاست. آن گرامی، نمونه بارزی از یک انسان کامل و تربیت یافته در مکتب نبوی، علوی و فاطمی است. همچنین ایشان، پرورش دهنده فرزندان از نسل کوثر است که هر کدام نیز اسوه‌های عالی و تجلی ارزشهای والای انسانی در تاریخ بشرند. امام حسن علیه السلام عصاره وجود رسول خدا ﷺ است. پیامبر اکرم ﷺ درباره وی می‌فرماید: «وَأَمَّا الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ إِنِّي وَوَلَدِي وَمَنْ بِي وَ قُرَّةُ عَيْنِي وَ ضِيَاءُ قَلْبِي وَ ثَمَرَةُ فُؤَادِي وَ هُوَ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْأُمَّةِ أَمْرُهُ أَمْرِي وَ قَوْلُهُ قَوْلِي مَنْ تَبِعَهُ فَإِنَّهُ مِنِّي وَ مَنْ عَصَاهُ فَلَيْسَ مِنِّي؛^۱ حسن پسر من است، او از من است، او نور چشم من و روشنایی قلب من است، او میوه جان من است، او سید و آقای جوانان اهل بهشت است او حجت خدا بر امت من است. دستوره‌های او دستوره‌های من و سخن او سخن من است. کسی که از او پیروی می‌کند از من است و کسی که با دستوره‌های وی مخالفت کند از من نیست.»

مخالف و موافق درباره عظمت و شکوه شخصیت والای حضرت مجتبیٰ علیه السلام و اسوه بودن آن گرامی در فضایل اخلاقی، اتفاق نظر دارند. ابن حجر عسقلانی از شخصیت نگاران اهل سنت می‌نویسد که وقتی حسن بن علی علیه السلام از دنیا رفت یکی از دشمنان سرسخت آن حضرت در تشییع جنازه او گریه می‌کرد. حسین بن علی علیه السلام به او گفت: «تو با آن همه اذیت و آزار و مخالفت که درباره برادرم روا می‌داشتی باز هم گریه می‌کنی؟!» او گفت: «من با کسی دشمنی می‌کردم که صبورتر و حلیم‌تر از این کوه‌ها بود.»^۲

جلال الدین سیوطی از دانشمندان برجسته اهل سنت در تاریخ خود می‌نویسد: «حسن بن علی دارای امتیازات اخلاقی و فضایل انسانی فراوان بود، او شخصیتی بزرگوار، بردبار، با وقار، متین، سخاوتمند، و مورد ستایش بود.»^۳

شهد الأنام بفضله حتى العدا

والفضل ماشهدت به الأعداء

هدف واحد امام حسن و حسین علیه السلام

امام حسن و امام حسین علیه السلام هدف واحدی داشتند؛ ولی به اقتضای زمان از شیوه‌های

۱. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۹.

۲. تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۲۵۹.

۳. تاریخ الخلفاء، ص ۱۸۹.

متفاوتی استفاده می کردند. اینکه در برخی زیارتها می گوئیم: «والحلم الحسنيه و الشجاعه الحسينيه»^۱ به این معنا نیست که امام حسن علیه السلام حلیم تر بود و سید الشهداء علیه السلام شجاع تر؛ بلکه هردو، معدن حلم و شجاعت بودند. اساساً همه امامان شیعه در همه کمالات مساوی اند؛ منتها اقتضای زمان امامت و تفاوت نقشه های دشمن، هر کدام، خصلت ویژه ای را طلب می کرد و مردم، همان را لمس می کردند.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرمود: «الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ إِمَامَانِ قَامَا أَوْ قَعَدَا؛^۳ حسن و حسین هر دو امام هستند چه قیام کنند و چه بنشینند؟»

بنابراین امام حسن علیه السلام در صلح با معاویه، همان هدفی را تعقیب می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی و امام حسین علیه السلام تعقیب می کرد؛ این هدف، عبارت از حفظ اسلام و عزت مسلمانان بود؛ به عبارت دیگر روشهای امام حسن و حسین علیه السلام نسخه ای از شیوه رهبری امیرمؤمنان علیه السلام است؛ چرا که آن گرامی، رهبری خود را در دو مرحله انجام داد: سکوت و قیام؛ که هردو در زمان خود به مصلحت اسلام بود؛ یعنی امام حسن علیه السلام مرحله اول شیوه علوی و امام حسین علیه السلام مرحله دوم آن را به اجرا گذاشت که هردو مکمل هم می شوند.

طبق فرموده رسول رحمت، همه امامان علیهم السلام از یک نور واحدند و هیچ فرقی بین آنان نیست: «خَلَقَنِي اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ أَهْلَ بَيْتِي مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ؛^۴ خداوند، من و اهل بیت مرا از نور واحد آفریده است.»

علی علیه السلام هم این حقیقت را این گونه بیان فرمود: «كَلَّمْنَا وَاحِدٌ أَوْ كَلَّمْنَا مُحَمَّدٌ وَ آخِرُنَا مُحَمَّدٌ وَ أَوْسَطُنَا مُحَمَّدٌ وَ كَلَّمْنَا مُحَمَّدٌ فَلَا تَفَرَّقُوا بَيْنَنَا؛^۵ ما (پیشوایان حق و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله) همه یکی هستیم: اول ما محمد، آخر ما محمد و وسط ما محمد است. همه ما محمدیم بین ما جدایی نیندازید.»

به یک معنا مظلومیت امام حسن علیه السلام بیش تر از سایر پیشوایان الهی است؛ زیرا آن رهبر

۱. زاد المعاد، دعای توسل به حجة بن الحسن علیه السلام، ص ۶۰۰.

۲. به نقل از: علامه جعفر مرتضی عاملی، در مصاحبه نگارنده با ایشان در ۱۱ رجب ۱۴۳۳ق.

۳. علل الشرایع، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۱۱ و ۶۸۵.

۴. إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۲، ص ۴۱۵.

۵. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۷.

والامقام با مردمی بی درد مواجه شد که هرگز، منویات آن حضرت را درک نکردند و امام را با افکار و اندیشه‌های متعالی‌اش در مقابل دشمن تنها گذاشتند؛ همچنان‌که خودش فرمود: «لَوْ وَجَدْتُ أُغْوَانًا مَا سَلَّمْتُ لَهُ الْأَمْرَ لِأَنَّهُ مُحَرَّمٌ عَلَيَّ بِنِي أُمِّيَةِ فَأَفُّ وَتَرَحًّا يَا عَيْدِ الدُّنْيَا؛^۱ اگر یاورانی می‌یافتم خلافت را به او (معاویه) تسلیم نمی‌کردم؛ چون خلافت بر بنی‌امیه حرام است. خاک بر سر شما باد ای بندگان دنیا!!»

طبق فرمایش امام موسی بن جعفر علیه السلام روز رستاخیز منادی ندا می‌دهد: «حواریون حسن بن علی پسر فاطمه دختر رسول خدا کجایند؟» فقط دو نفر پاسخ می‌دهند؛ یعنی فقط سفیان بن لیالی همدانی و حذیفه بن اسد غفاری؛ اما وقتی ندا می‌رسد حواریون حسین علیه السلام بیایند هفتاد و دو یار شهیدش برمی‌خیزند.^۲

از درد سخن گفتن و از درد شنیدن با مردم بی‌درد ندانی که چه دردی است

امام حسین علیه السلام شیعۀ امام حسن علیه السلام

درباره مقام والای آن حضرت، همین قدر کافی است که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «مَا كَلَّمَ الْحُسَيْنَ بَيْنَ يَدَيِ الْحَسَنِ اعْظَامًا لَهُ؛^۳ امام حسین علیه السلام به سبب عظمت امام حسن علیه السلام هیچ‌گاه در مقابل سخن او حرفی نمی‌زد.»

حضرت سیدالشهداء علیه السلام با آن جلالت و بزرگواری خویش در مقابل رفتار و گفتار حضرت مجتبیٰ علیه السلام در مدت امامت آن حضرت، تسلیم محض بود. هنگامی که یکی از یاران اهل بیت علیه السلام به نام قیس بن سعد عبادۀ انصاری در عصر امامت امام حسن علیه السلام منتظر فرمانی از اباعبدالله علیه السلام بر خلاف نظر امام حسن علیه السلام بود، امام حسین علیه السلام با قاطعیت تمام فرمود: «يَا قَيْسُ إِنَّهُ إِمَامِي يَعْنِي الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ...؛^۴ ای قیس! برادرم امام حسن علیه السلام امام من است.» یعنی در زمان امامت امام حسن علیه السلام من هرگز نظری بر خلاف نظر آن گرامی، ابراز نخواهم کرد.

۱. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۵۷۶.

۲. روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۸۲، «يُنَادِي الْمُنَادِي أَيْنَ حَوَارِيُّ حَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ ابْنِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَيَقُومُ سَفْيَانُ بْنُ لَيْلَى الْهَمْدَانِيُّ وَ حَذِيفَةُ بْنُ أَسَدٍ الْغَفَارِيُّ قَالَ ثُمَّ يُنَادِي أَيْنَ حَوَارِيُّ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ فَيَقُومُ كُلُّ مَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَهُ وَ لَمْ يَتَخَلَّفْ عَنْهُ»

۳. المناقب، ج ۳، ص ۴۰۱.

۴. رجال الكشي، إختيار معرفة الرجال، ص ۱۱۰ و بحار الانوار، بيروت، ج ۴۴، ص ۶۱.

بنابراین تمام کمالات امام حسن علیه السلام را امام حسین و سایر امامان علیهم السلام داشتند و اهداف تک تک آنان همان هدف رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بود. فقط وظیفه هر کدام در دفاع از اسلام و مسلمانان با توجه به مقتضیات زمان عوض می شد؛ و گرنه هر کدام از آن بزرگان اگر به جای دیگری بود همان کاری را می کرد که آن امام، انجام داده است.

شجاعت بی نظیر امام مجتبی علیه السلام

این موضوع را با نقل روایتی از شجاعت و شهادت بی نظیر حضرت مجتبی علیه السلام ادامه می دهیم. در جنگ جمل، امام علی علیه السلام سلاح خود را به محمد حنیفه داد که برود و شتر عایشه را - که در قلب لشکر دشمن قرار داشت - کشته، کانون آتش فتنه را خاموش سازد. مدافعان و تیراندازان جبهه مخالف به قدری نیرومند، عمل کردند که محمد ناگزیر به مراجعت شد. در این هنگام حسن بن علی علیه السلام نیزه را از دست محمد حنیفه گرفت و به میدان نبرد شتافت. حضرت مجتبی علیه السلام که ۳۳ ساله بود، صفوف دشمن را شکافت و پیش رفت تا به شتر عایشه رسید. وی با خلق حماسه ای بی نظیر که نشانگر شجاعتی علوی بود شتر عایشه را به هلاکت رساند، فاتحانه برگشت و بدین گونه آتش جنگ خاموش شد.

محمد در این هنگام سر به زیر افکند و از اینکه نتوانسته بود دستور پدر را اجرا کند، احساس شرم نمود. امیرمؤمنان علیه السلام که متوجه موضوع شده بود، وی را دلجویی و نوازش کرد و به او فرمود: «لَا تَأْنَفْ فَإِنَّهُ ابْنُ النَّبِيِّ وَ أَنْتَ ابْنُ عَلِيٍّ؛^۱ فرزندم! ناراحت نباش اگر حسن فتح کرد او پسر رسول خداست؛ ولی تو فقط پسر من هستی.» یعنی او از دو منبع شجاعت الهام گرفته اما تو فقط از یک منبع.

تربیت فرزندان شایسته و انقلابی

نگاهی کوتاه به شخصیت فرزندان آن حضرت نشان می دهد کمالات اخلاقی که از وجود مقدس آن گرامی نشأت گرفته است در سیمای فرزندان آن بزرگوار کاملاً مشاهده می شود.

امام مجتبی علیه السلام به عنوان الگو و نمونه یک مربی تمام عیار، در تربیت فرزندان پاک طینت، صالح، شجاع، کارآمد و با کمال، نقش قابل توجهی ایفا کرد. آن حضرت با پرورش فرزندان

۱. مناقب، ج ۲، ص ۲۱ و بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۵.

تلاشگر، مسئولیت‌پذیر، مبارز، ایثارگر، دارای کمالات و خصایل پسندیده در دستیابی به اهداف والای تربیتی، توفیق کامل داشت. آن گرامی با مراعات شیوه‌های تربیتی صحیح و تأمین نیازهای روحی و جسمی فرزندان، در شکوفایی استعدادها و باروری خلاقیت‌های آنان مسئولیت‌های پدرانه خویش را با کمال شایستگی به انجام رسانید و بر اثر آن فرزندان امام مجتبیٰ علیه السلام در زندگی آینده خویش به کمالات و مراتب عالی انسانی نایل آمدند و هر یک نمونه‌ای بارز از انسان‌های وارسته شدند.

شیخ مفید درباره فرزندان امام مجتبیٰ علیه السلام می‌نویسد: فرزندان امام حسن علیه السلام پانزده پسر و دختر بودند. نام پسران آن حضرت بدین ترتیب است: زید، حسن، مثنی، عمرو، قاسم، عبد الله، عبد الرحمن، حسین، اُثرم، طلحه و نام دخترانش هم عبارت است از: فاطمه، ام‌عبد الله، فاطمه دوم، ام سلمه، رقیه، ام‌الحسن، ام‌الحسین.^۱

تبار سادات حسنی

از فرزندان پسر امام حسن علیه السلام، به غیر از حسین اُثرم، عمرو، زید و حسن مثنی هیچ‌یک، صاحب فرزند نشدند و از حسین و عمرو هم فرزند ذکور باقی نماند. تمام فرزندان امام حسن علیه السلام از نسل زید و حسن مثنی محسوب می‌شوند. بنابراین سادات حسنی، همگی از زید و حسن مثنی به امام حسن علیه السلام نسب می‌رسانند.^۲

تربیت فرزندان عاشورایی

تعدادی از فرزندان پسر و دختر آن امام همام در ماجرای کربلا در کنار عمویشان امام حسین علیه السلام فیض حضور یافتند و برخی به درجه شهادت نیز نایل آمدند. در اینجا با چند تن از پرورش‌یافتگان مجتوبی علیه السلام آشنا می‌شویم:

الف) حسن مثنی

حسن مثنی یکی از تربیت‌یافتگان دامان امامت است. او بر اثر تربیت امام مجتبیٰ علیه السلام به کسب کمالات انسانی و معنوی نایل شد و مانند برادر ارشدش، متولی صدقات و موقوفات جد بزرگوارش امام علی علیه السلام بود. حسن مثنی، جوانی پاک و آراسته به فضایل اخلاقی و مورد اعتماد و اطمینان مردم بود. آن بزرگوار با صلاح‌دید عمومی گرامی‌اش، امام حسین علیه السلام با فاطمه

۱. الإرشاد، مفید، ج ۲، ص ۱۶.

۲. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۵۷۹.

بنت الحسین علیها السلام ازدواج کرد و در سفر کربلا همراه حضرت سیدالشهدا علیه السلام حضور داشت و بعد از مبارزات سختی که با تمام وجود در مقابل لشکر یزید انجام داد، به شدت زخمی شد و به اسارت دشمن در آمد. یکی از سربازان عمر بن سعد به نام ابی حسان اسماء بن خارجه فزاری، که از بستگان مادرش نیز بود، او را از اسارت دشمن نجات داد و در منزل خویش در کوفه به مداوایش همت گماشت و پس از بهبودی، وی را به مدینه روانه کرد. بعد از بازگشت اسرای کربلا به مدینه، حسن مثنی همچنان با همسر فداکارش فاطمه بنت حسین زندگی می کرد تا اینکه به دستور عبدالملک بن مروان (از خلفای اموی) مسموم شد و در ۳۵ سالگی به شهادت رسید و در قبرستان بقیع مدفون شد.^۱

حسن مثنی و تربیت فرزندان دلیر

برخی از رهبران طاغوت ستیز در دوران خلفای عباسی از فرزندان و نوادگان حسن مثنی به شمار می آیند. پسران او عبارت اند از:

۱. حسن مثلث

او از مبارزان سرسخت دوران منصور عباسی است که بعد از مقابله جدی با دستگاه طاغوتی منصور دوانقی، در زندان او درگذشت. حسین بن علی، معروف به «شهید فح» نوه اوست که همراه جمعی از علویان قیام کرد و در منطقه فح به شهادت رسید.^۲

۲. داوود، داماد امام سجاد علیه السلام

وی به علت مخالفت با دستگاه استبدادی منصور به زندان افتاد. مادرش حبیبه رومی، به سبب رفع گرفتاری فرزندش، به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شد و چاره خواست. حضرت صادق علیه السلام نیز اعمالی را به وی تعلیم داد که بعدها به «عمل ام داوود» معروف شد. این عمل را در نیمه رجب به جای می آورند.^۳ آن بانوی مکرمه با انجام عمل ام داوود، زمینه آزادی فرزندش را از زندان منصور دوانیقی فراهم آورد. داوود با ام کلثوم دختر امام سجاد علیه السلام ازدواج کرد و در ۶۰ سالگی در مدینه از دنیا رفت. وی جد سادات «بنی طاووس» نیز محسوب می شود و نسب سید علی بن طاووس، عارف و فقیه پُرآوازه قرن هفتم و صاحب کتاب معروف «اقبال» و دهها

۱. تربیت در سیره و سخن امام مجتبی علیه السلام، ص ۱۹۱ و الإرشاد، ج ۲، ص ۲۴.

۲. تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۲۸۰ و ج ۴، ص ۱۲.

۳. مفاتیح الجنان.

اثر ارزشمند دیگر، با ۱۳ واسطه به داوود بن حسن مثنی می‌رسد.^۱

۳. ابراهیم الغمر

او پدر بزرگ ابراهیم طباطبا، جدّ «سادات طباطبایی» است. سلسله نسب وی چنین است: ابراهیم طباطبا بن اسماعیل دیباج بن ابراهیم الغمر بن حسن مثنی.

۴. عبدالله محض

او را «عبدالله کامل» نیز گفته‌اند. مادر وی فاطمه بنت الحسین علیه السلام است. عبدالله در صفات عالی انسانی همچون: جمال، سخاوت و کرامت، شباهت تامی به حضرت رسول صلی الله علیه و آله داشت. وی از طرف پدر و مادر، فاطمی و علوی بود و به عبدالله محض، عبدالله کامل و شیخ بنی‌هاشم موسوم شد. از مشهورترین فرزندان عبدالله محض، محمد نفس زکیه است که در مدینه بر ضدّ منصور دوانیقی خروج کرد و در منطقه «احجار الزیت» به شهادت رسید. عبدالله بن حسن مثنی یکی از راویان خطبه فدکیه حضرت فاطمه علیها السلام نیز به شمار می‌آید.^۲

این شخصیت پاک‌سیرت، برخی حوادث عاشورا را از پدر و مادرش نقل کرده است که روایت ذیل، یکی از آنهاست:

راوی حماسه کربلا

شیخ صدوق در امالی می‌نویسد: عبدالله بن حسن مثنی از مادرش فاطمه بنت حسین علیه السلام چنین نقل می‌کند: روز عاشورا بعد از شهادت پدرم، امام حسین علیه السلام دشمن برای غارت به خیمه‌ها حمله کرد. عده‌ای از آنها به خیمه ما هجوم آوردند و من که دختر نوجوانی بودم، با حالتی بهت‌زده به آنان می‌نگریستم. یکی از آنان در حالی که گریه می‌کرد، دو خلخال زینتی را از پای من درآورد. گفتم: «ای دشمن خدا! تو با این غارتگری و قساوت چرا گریه می‌کنی؟» او پاسخ داد: «چگونه گریه نکنم و حال آنکه من زیور آلات دختر پیامبر صلی الله علیه و آله را غارت می‌کنم!» گفتم: «اگر کار زشتی است، انجام نده.» او گفت: «اگر من این کار را نکنم، دیگری این کار را خواهد کرد.»^۳

نام پسران حسن مثنی؛ جعفر، عباس، محمد و ابراهیم و نام دختران او زینب، امّ کلثوم، رقیه و فاطمه است.

۱. امالی، صدوق، ص ۲۲۸، مجلس ۳۰.

۲. رساله اسدییه، ص ۴۵ و بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۷.

۳. همان، ص ۳۰ و ۳۱؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۹۸ و بلاغات النساء، ص ۱۲.

ب) قاسم بن الحسن علیه السلام

در یکی از شبهای سال ۴۶ هجری، خانه امام حسن مجتبی علیه السلام در مدینه، عطرآگین و کودکی متولد شد که صورتش چون ماه شب چهارده می درخشید. نوزاد را در قنداقه سفیدی پیچیدند و نزد امام حسن علیه السلام آوردند. امام او را در آغوش گرفت و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه را زمزمه کرد و بدین سان، کودک خویش را با آوای توحید آشنا ساخت. در هفتمین روز تولد این کودک، مراسم نامگذاری برپا شد و حضرت امام حسن علیه السلام نام نوزاد خویش را قاسم نهاد.

قاسم تا سال ۵۰ در دامان پرمهر و عاطفه پدر ارجمندش پرورش یافت و بعد از شهادت امام مجتبی علیه السلام تحت سرپرستی و تربیت امام حسین علیه السلام، دوران رشد و نوجوانی را گذرانید تا اینکه واقعه کربلا پیش آمد.

شب عاشورا هنگامی که نوجوان شجاع و خوش سیمای خاندان امام حسن علیه السلام از عمویش امام حسین علیه السلام شنید که به اصحاب خویش بشارت می دهد: فردا تمامی شما شهید خواهید شد، در ذهن و اندیشه اش سؤالاتی مطرح شد. سپس از جای خویش برخاست و از امام حسین علیه السلام پرسید: «ای عمو جان! آیا من هم از شهدا خواهم بود؟» امام حسین علیه السلام فرمود: «يَا بُنَيَّ! كَيْفَ الْمَوْتُ عِنْدَكَ؟ پسر! مرگ را چگونه می بینی؟» قاسم بن حسن با کمال اخلاص و صفا پاسخ داد: «أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ؛ مرگ در راه تو برای من شیرین تر از عسل است.» در این موقع قاسم سؤال خویش را دوباره تکرار کرد: «آیا من هم از شهدای کربلا خواهم بود؟» امام علیه السلام پاسخ داد: «عمویت فدای تو! آری. به خدا قسم! تو را مانند یارانم خواهند کشت؛ حتی پسر شیرخواره ام، عبدالله را نیز به شهادت می رسانند.»

فرزند غیرتمند امام مجتبی علیه السلام با شنیدن این سخن، یکه ای خورد و به سوی عمویش خیز برداشت و پرسید: «عمو جان! آیا آنها به خیمه گاه می رسند و بعد از تسلط به خیام و ساکنین آن، عبدالله شیرخوار را می کشند؟!» سپس امام حسین علیه السلام کیفیت شهادت طفل شیرخواره اش را به طور مفصل برای قاسم شرح داد.^۱

قاسم در روز عاشورا بعد از اصرار زیاد از عمویش اجازه نبرد گرفت. حمید بن مسلم از

۱. مدینه المعجز، ج ۴، ص ۲۱۴.

گزارشگران عمر سعد در توصیف ورود او به صحنه نبرد چنین می‌گویند: «از خیام حسین علیه السلام نوجوانی به سوی میدان بیرون آمد که چهره‌اش مانند قرص قمر می‌درخشید، شمشیری به دست داشت و پیراهن بلندی پوشیده بود و وارد جنگ شد، وی هنگام نبرد چنین رجز می‌خواند:

ان تنکرونی فانا بن الحسن
سبط النبی المصطفی المومن

هذا حسین کالاسیر المرتهن
بین اناس لا سقوا صوب المزن

اگر مرا نمی‌شناسید من پسر حسن، سبط پیامبر برگزیده و امین خدایم. این حسین علیه السلام است که همچون اسیر گروگان شده در بین مردم قرار گرفته، خدا آن مردم را از باران رحمتش سیراب نسازد.

سرانجام حضرت قاسم علیه السلام یادگار شجاع حضرت مجتبیٰ علیه السلام بعد از فداکاری‌ها و جانفشانی‌های مخلصانه در روز عاشورا به شهادت رسید.^۱

ج) دختر امام مجتبیٰ علیه السلام و فضایل بی‌شمار

ام عبدالله، فاطمه بنت حسن، بزرگ بانوی جهان اسلام، یکی از درس‌آموزان و تربیت‌یافتگان مکتب امام مجتبیٰ علیه السلام است. این بانوی بزرگ در میان دختران امام حسن علیه السلام از امتیازات ویژه‌ای برخوردار است. جناب فاطمه بنت حسن علیه السلام نوه امام علی علیه السلام، دختر امام مجتبیٰ، عروس امام حسین علیه السلام، همسر امام سجاد و مادر امام باقر علیه السلام است.

فاطمه، ام عبدالله است که در میان دختران امام حسن علیه السلام وی را به جلالت، عظمت شأن و بزرگواری می‌شناختند. او همسر حضرت زین العابدین علیه السلام بود و از ایشان چهار پسر آورد: امام محمد باقر علیه السلام، حسن، حسین و عبدالله الباهر.^۲

شرافت، کرامت، عفت و حیا از صفات برجسته این شخصیت جلیل القدر است. القابی همچون فاضله، عالمه، صالحه، صدیقه و عقیفه از ویژگی‌های این دختر امامت است. این عزیزترین بانوی خاندان بنی‌هاشم و اسوه زنان ایثارگر و فداکار؛ همسر، پدر، فرزند و بالاخره برادران خویش را تقدیم کرد. وی دختر، همسر، مادر و خواهر شهید به شمار می‌آید.

حضرت صادق علیه السلام روزی از بزرگواری و صداقت جدش فاطمه بنت حسن علیه السلام یاد

۱. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۰۸.

۲. منتهی الآمال ج ۱، ص ۵۷۸.

کرد و فرمود: «كَانَتْ صِدْقَةً لَمْ يَذْرُكَ فِي آلِ الْحَسَنِ مِثْلُهَا؛^۱ جدهام، بسیار راستگو و نیکرفتار بود و در خاندان حسن علیه السلام زنی به درجه و مرتبه او نرسید.»

امام باقر علیه السلام درباره کرامت و فضیلت مادرش فاطمه بنت حسن می گوید: «مادرم کنار دیواری نشسته بود، ناگاه دیوار شکافت برداشت و صدای مهیبی به گوش رسید. آن بانوی بزرگوار به دیوار اشاره کرد و فرمود: قسم به حق مصطفی، فرود نیا. خداوند به تو اجازه فرو افتادن نمی دهد.» سپس دیوار در میان زمین و هوا معلق ماند تا آنکه مادرم از آنجا بگذشت و آنگاه دیوار فرو ریخت. پدرم امام زین العابدین علیه السلام صد دینار به سبب رفع خطر، صدقه داد.^۲

یکی از مهم ترین وقایع زندگی این بانوی عصمت، حضور در واقعه غم انگیز و افتخار آفرین عاشورا است. فاطمه بنت حسن، همانند عمه اش زینب، از پیام آوران حادثه خونین کربلا محسوب می شود. وی در جاودانگی حماسه عاشورا، همراه بقیه اسیران کربلا به ویژه همسر بزرگوارش امام سجاد علیه السلام و فرزندش امام باقر علیه السلام مسئولیت خویش را به خوبی ایفا کرد. از دیگر فرزندان دختر امام حسن علیه السلام می توان به ام الحسن، ام سلمه و رقیه اشاره کرد.^۳

د) عبدالله اصغر

عبدالله اصغر، فرزند دیگر امام مجتبی علیه السلام است که در کربلا یازده سال داشت. هنگامی که امام حسین علیه السلام تنها به میدان رفت و هیچ یآوری نداشت، عبدالله، غریبی و مظلومی عمویش را دریافت. او برای یاری عمو از خیمه به سوی میدان بیرون دوید. حضرت زینب، دنبال او حرکت کرد تا نگذارد او به میدان رود. امام حسین علیه السلام صدا زد: «خواهرم! عبدالله را نگهدار»؛ اما عبدالله که شجاعت را از پدرش امام مجتبی علیه السلام آموخته بود، خود را به عمو رسانید و گفت: «به خدا! از عمویم جدا نمی شوم» و سرانجام در کنار امام حسین علیه السلام به شهادت رسید.^۴

ه) ابوبکر بن حسن

او جوانی زیبارو بود که ویژگیهای اخلاقی امام حسن علیه السلام در وجودش پدیدار بود. در روز عاشورا در صحنه مبارزه، شجاعانه، مشغول پیکار با دشمن شد. وی با اینکه جوان شانزده ساله ای بیش نبود، نظم سپاه دشمن را به هم ریخت و شماری از آنان را کشت. ابوبکر بن

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۵.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۳۶.

۳. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۵۷۸.

۴. معالی السبطين، ج ۱، ص ۴۶۳.

حسن، بعد از نبرد شجاعانه، در حالی که چشمانش از عطش در گودی فرو رفته بود، به سوی امام حسین علیه السلام بازگشت و گفت: «ای عمو! آیا آب داری تا جگر خود را خنک کنم و قدرت تازه‌ای یافته، مبارزه را با دشمنان خدا و رسولش ادامه دهم؟» امام حسین علیه السلام فرمود: «ای برادرزاده‌ام! لختی صبر کن که با جدت رسول خدا ﷺ دیدار کنی و او با آب بهشت، تو را سیراب کند تا دیگر تشنه نشوی.»

سپس وی به سوی دشمنان شتافت و پس از خواندن رجز بر آنان یورش برد. او بعد از هلاک کردن تعدادی از نیروهای جبهه کفر، به محاصره دشمن درآمد و به شهادت رسید. یکی از اشعار این فرزند شجاع امام مجتبیٰ علیه السلام در میدان کارزار چنین بود:

إِنِّي أَنَا نَجَلُ الْأَمَامِ بْنِ عَلِيٍّ
نَحْنُ وَبَيْتُ اللَّهِ أَوْلَىٰ بِالنَّبِيِّ
أَضْرَبُكُمْ بِالسِّيفِ حَتَّىٰ يَغْدَلَ
أَطْعَنُكُمْ بِالرَّمْحِ وَسَطَ الْقَسَطِلِ

من فرزند امامی هستم که پسر علی است و تا کند شدن شمشیر با شما مبارزه می‌کنم ما - سوگن به کعبه - به پیامبر نزدیک‌تریم، در میان میدان نبرد، با نیزه به شما ضربه خواهیم زد.^۱
یکی از بارزترین دلایل روحیه شجاعت، دلاوری و فداکاری در وجود حضرت مجتبیٰ علیه السلام فرزندان آن حضرت‌اند که از سرچشمه ولایت و امامت سیراب شده و به اوج فداکاری و از خودگذشتگی در راه اسلام و اهداف بلند آن رسیده بودند.

فرزندان امام حسن علیه السلام نمونه‌های بدیع و زیبایی در مسیر مبارزه و رویارویی از خود نشان دادند و ویژگی‌های اخلاقی، انسانی و سجایای والای حضرت مجتبیٰ علیه السلام را به نمایش گذاشتند.

(و) عبد الرحمن

عبد الرحمن در رکاب عموی خود امام حسین علیه السلام به سفر حج، کوچ کرد و در «ابوا» جهان را بدرود گفت؛ در حالی که مُحْرِم بود.^۲

(ز) زید

ابوالحسن زید، اولین فرزند امام مجتبیٰ علیه السلام است. او شخصیتی بزرگوار، پاک‌طینت و جلیل‌القدر بود. زید بر اثر امانتداری و صداقت و صفای باطن، مورد توجه و اعتماد مردم و

۱. ناسخ التواریخ (در احوالات سیدالشهداء علیه السلام)، ج ۲، ص ۳۳۰-۳۳۲.

۲. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۵۷۷.

مسئولان حکومتی قرار گرفت تا آن جایی که وی را متولی موقوفات و صدقات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار دادند. وی در سخاوت و نیکوکاری، زبانزد خاص و عام بود. شعرا در مدح نیکبهایش شعرها سرودند. مردم نیازمند برای رسیدن به عطاهای وی و کسب فضایل از دور و نزدیک به حضورش می‌شتافتند؛ اما افراد پست، فرومایه و حاکمان بی بند و بار بنی‌امیه با او دشمنی می‌کردند.

عمر بن عبدالعزیز بعد از جلوس در مسند خلافت، بی‌مهریهای خلفای قبل را جبران کرد و به حاکم مدینه نوشت: «زید بن حسن، مردی شریف و از افراد ممتاز خاندان بنی‌هاشم است؛ او را در تولیت صدقات و موقوفات گمارده، مقامش را گرامی دارید.»^۱ وی در ۹۰ سالگی دارفانی را وداع گفت.^۲

تداوم نسل انقلابی امام مجتبی علیه السلام

روحیه حماسی حضرت مجتبی علیه السلام نه تنها در فرزندانش تأثیر داشت؛ بلکه در نوادگانش نیز کاملاً نمایان بود. در اینجا به دو نمونه از رشادت نوادگان آن گرامی اشاره می‌کنیم:

حسین بن علی، معروف به شهید فخر

حسین بن علی بن حسن مثلث بن حسن مثنی فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام معروف به «شهید فخر»^۳ از افرادی است که در زمان امامت حضرت کاظم علیه السلام بر اثر ستم‌های فرماندار مدینه در حق شیعیان، به ستوه آمد و علیه حکومت هادی عباسی به قیام مسلحانه روی آورد.

حسین قبل از قیام پرشور خویش، شبانه به محضر امام هفتم علیه السلام آمد و امام، ضمن سفارش‌هایی به وی فرمود: «تو شهید خواهی شد، ضربه‌ها را محکم و نیکو بزن. این مردم فاسق‌اند و در ظاهر، ایمان دارند و در باطن خود، نفاق و شک را پنهان می‌سازند؛ اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ راجِعُونَ.»

بعد از شهادت حسین بن علی و سایر شهدای فخر، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند! حسین در حالی از دنیا رفت که مسلمان، نیکوکار، روزه‌دار، آمر به معروف و

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۶۷ و ارشاد، ص ۳۶۱.

۲. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۶۴.

۳. چون وی در سال ۶۹ق در سرزمینی بنام «فخر» در یک فرسنگی مکه در جنگ با سپاهیان خلیفه عباسی به قتل رسید، به «صاحب فخر» یا «شهید فخر» مشهور شد. منتهی‌الأمال ج ۱، ص ۶۲۱.

ناهی از منکر بود.»^۱

حضرت عبدالعظیم، پاسدار حریم امامت

عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن علیه السلام بن علی بن ابی طالب علیه السلام معروف به شاه عبدالعظیم و سید الکریم است. ریشه خانوادگی او، با چهار واسطه به امام حسن علیه السلام و با پنج واسطه به علی علیه السلام می‌رسد. این یادگار امام مجتبیٰ علیه السلام در ولایتمداری، ایمان ستودنی، پاسداری از فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و مبارزه با طواغیت زمان، نمونه بود. حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه السلام از دانشمندان شیعه و از روایان حدیث ائمه معصومین علیهم السلام و از چهره‌های مبارزه، محبوب و مورد اعتماد، نزد اهل بیت عصمت علیهم السلام و پیروان آنان بود.^۲

حضرت عبدالعظیم علیه السلام امام هادی علیه السلام را امام واجب الاطاعة می‌دانست و اطاعت و ولایت او را به جان می‌خرید؛ به همین دلیل، از مدینه تا سامرا یعنی تبعیدگاه امام دهم از بیم مأموران جلاد متوکل عباسی، مخفیانه، طی طریق کرد و به محضر امام دهم رسید و کسب تکلیف کرد. وقتی جریان مذاکرات و ملاقات عبدالعظیم علیه السلام با امام هادی علیه السلام به گوش متوکل رسید، دستور دستگیری آن بزرگوار را صادر کرد. جناب عبدالعظیم برای رهایی از شر متوکل و ترویج فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و به دستور امام هادی علیه السلام به شهر ری هجرت کرد. او در آنجا مخفیانه فعالیت، و مشکلات علمی و معنوی مشتاقان اهل بیت علیهم السلام را رفع می‌کرد. او حدود دو سال قبل از رحلت امام هادی علیه السلام در سال ۲۵۲ق در شهر ری درگذشت و امروزه، مزار شریفش، مطاف عاشقان اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته است.^۳

وی امامزاده بزرگواری است که نه فقط به سبب پدران بزرگوارش تعظیم می‌شود؛ بلکه به علت خلوص، اطاعت و ولایت‌پذیری، به مقامی رسید که امام هادی علیه السلام او را چنین ستود: «مَرْحَبًا بِكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ أَنْتَ وَلِيْنَا حَقًّا؛^۴ مرحبا به تو ای ابوالقاسم! تو از دوستان حقیقی و واقعی ما هستی.»

۱. مقاتل الطالبيين، ص ۳۶۴ و سیره پیشوایان، ص ۴۲۶.

۲. آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام در گذشته و حال، ص ۵۴.

۳. برگرفته از کتاب: آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام در گذشته و حال، ص ۵۴.

۴. إعلام الوری، ص ۴۳۶.

فهرست مطالب

۱. ابن خلدون، **تاریخ ابن خلدون**، دار إحياء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۲. ابن طیفور، **بلاغات النساء**، نشر بصیرتی، قم، بی تا.
۳. اصفهانی، ابوالفرج، **مقاتل الطالبیین**، دارالمعرفة، بیروت، بی تا.
۴. امین، سید محسن، **اعیان الشیعه**، نشر دارالتعارف، بی تا.
۵. بحرانی، سید هاشم، **مدینه المعاجز**، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۴ق.
۶. پاکنیا، عبدالکریم، **تربیت در سیره و سخن امام مجتبی علیه السلام**، نشر هجرت، قم، ۱۳۸۲ش.
۷. پیشوایی، مهدی، **سیره پیشوایان**، نشر مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۳۸۳ش.
۸. حائری، محمد مهدی، **معالی السبطين**، نشر شریف رضی، قم، ۱۴۰۹ق.
۹. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، **إرشاد القلوب إلى الصواب**، شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ق.
۱۰. رواندی، قطب الدین، **الخرائج و الجرائح**، مؤسسه الامام المهدی علیه السلام، بی جا، بی تا.
۱۱. سپهر، میرزا محمدتقی، **ناسخ التواریخ**، اسلامیه، تهران، ۱۳۶۳ش.
۱۲. سیوطی، جلال الدین، **تاریخ الخلفاء**، مکتبه المثنی، بی جا، بی تا.
۱۳. شیخ صدوق، **امالی**، کتابفروشی اسلامیه، تهران، بی تا.
۱۴. _____، **علل الشرائع**، نشر داوری، قم، بی تا.
۱۵. شیخ طوسی، **رجال الکشی**، مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم، ۱۴۰۴ق.
۱۶. شیخ مفید، **الإرشاد**، دارالمفید، بی جا، بی تا.
۱۷. _____، **الإرشاد**، مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، **إعلام الوری**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.
۱۹. عسقلانی، ابن حجر، **تهذیب التهذیب**، دارالفکر، بی جا، ۱۴۰۴ق.
۲۰. علامه حلی، **رساله اسدیّه**، نشر کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، بی تا.
۲۱. علامه مجلسی، **زاد المعاد**، نشر پیام مقدس، قم، ۱۳۸۹ش.
۲۲. قائدان، اصغر، **آستان مقدّس حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام در گذشته و حال**، دارالحديث، قم، ۱۳۸۲ش.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، دارالکتب الاسلامیه، بی جا، ۱۳۸۸ق.
۲۴. مازندرانی، ابن شهر آشوب، **مناقب آل ابی طالب**، نشر علامه، قم، ۱۳۷۹ق.
۲۵. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، مؤسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۲۶. محدث قمی، **مفاتیح الجنان**، بی نا، بی جا، بی تا.
۲۷. _____، **منتهی الآمال**، نشر دلیل، قم، ۱۳۷۹ش.
۲۸. نیشابوری، محمد فتال، **روضه الواعظین**، نشر رضی، قم، بی تا.